

گریزها و ناگزیرهای زندگی به سبک آپارتمان نشینی از نگاه محمدر فعیع ضیایی پیشکسوت طنز و کاریکاتور

مکعب‌ها جای خانه و آسانسورها جای کوچه را گرفته‌اند

گزارش یک حسین گل‌محمدی



محمدر فعیع ضیایی متولد ۱۳۲۷ شمسی در شهر اُوز لارستان در جنوب استان فارس است. ۳۰سال فعالیت مطبوعاتی در نشریات طنز و فکاهی و کاریکاتور از جمله هراز قصه، کارتون برای کودکان، فکاهيون، خورچين، آقا گل، کیهان کاریکاتور، پیلبان، چاپ صدها مقاله تخصصی در مورد کاریکاتور ایران و جهان، مصورسازی چندین کتاب از طنزپردازان و فکاهی سربانان ایران و چاپ بیش از ۰۰۵کتاب برای کودکان و نوجوانان تنها بخشی از فعالیت‌ها و دستاوردهای این طنزپرداز و کاریکاتوریست پیشکسوت کشورمان است. همچنین عضویت انجمن نویسندگان کتاب کودک و نوجوان، عضویت نویسندگان خانه کتاب و اقل، عضویت هیئت داوران ده‌ها جشنواره و سابقه طنز و کاریکاتور و برگزیده ده‌ها مسابقه و جشنواره داخلی و بین‌المللی در عرصه طنز و کاریکاتور در کارنامه حرفه‌ای وی به چشم می‌خورد. برگزاری نخستین آیین تحلیل از هنرمندان، نویسندگان و پژوهشگران مروج آیین همسایگی از سوی سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران یهانه‌ای شد برای همکلامی با ضیایی تا این بار به عنوان کاریکاتوریست برگزیده در خلق آثار با مضمون همسایگی و در مقام یک هنرمند صاحب‌نظر در عرصه هنر اجتماعی از مصایب سبک زندگی آپارتمان‌نشینی در کلانشهرها و نقش محصولات فرهنگی – هنری برای فرهنگسازی در زمینه همسایگی سخن بگوید آنچه می‌خوانید ماحصل این همکلامی است.

■ **چاردیواری اختیاری نیست!**

آپارتمان و مجتمع مسکونی یکی از ضرورت‌های کلانشهرها و شهرک‌های جدید است زیرا امکان گسترش افقی شهرها بسیار محدود است. طبعاً چرا گرفتن تعداد زیادی از مردم در یک مجتمع با تفاوت‌هایی که از نظر قومی، فرهنگی، سنتی و آداب و رسوم دارند، تبعات زیادی در بر دارد. مردمی که در خانه‌های سنتی چهاردیواری را اختیاری می‌دانستند، مجبورند تن به مقررات قانونی مشترک و شیوه زندگی جمعی بدهند. آنها در آپارتمان خود هم تا جایی اختیار دارند که حدود اختیارات دیگران را رعایت کنند. درک و اجرای این حدود، احتیاج به درک وضعیت جدیدی دارد که قوانین تملک آپارتمان‌ها و نیز اصول و روش انضباطی و نظام‌نامه داخلی هر مجتمع آن را تعیین می‌کند. تطبیق دادن خود با مجموعه‌ای از این آیین‌های زندگی جمعی جدید امری ساده نیست. متأسفانه سکونت در آپارتمان‌ها با

زنان لیلماقدم

مثل همیشه وقتی در حوزه‌ای درست کار کنیم توجه خود و جامعه را به سمتی می‌بریم که مسئله ما را نه تنها حل نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید. مسئله زنان در کشور ما قار است از زاویه دیگری دیده شود. به غرب و جنبش فمینیسم کاری نداشته باشیم! اینکه سیمون دوبوار در کتاب «جنس دوم» درباره زنان چه گفته نقطه توجه ما نباشد و با استفاده از اینکه زن در غرب ابزار بالا بردن سود اقتصادی و تبلیغات است ایرادها و کم کاری‌های خودمان را نبوشانیم، همچنین به اینکه زنان و روح و ظرفت‌های زنده‌شان در تقابل با مردان و بحث مدرنیته به فراموشی سپرده شده خیلی نگاه نکنیم.

قرار است ببینیم ما در فرهنگ ایرانی – اسلامی‌مان چه داشته و داریم و با این داشته‌ها چه کرده‌ایم. قرار است دقت کنیم زنان کنونی جامعه ما چه تصویری از خود در اجتماع و خانواده در یافت می‌کنند، رسانه‌های ما آنها را چگونه نشان داده‌اند و قرار است برای بهتر شدن وضعیت زنان و به تبع آن خانواده در ابعاد مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چه کارهایی انجام شود. شروع دیگر گونه این فعالیت و تغییر زاویه ما هم بر اساس سوئید نیستند اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده و با حضور کارشناسان این حوزه در حضور مقام معظم

نوعی از خود بیگانگی روزگار صنعتی شدن جوامع است. مفهوم سابق همسایه بودن به مرور جای خود را به بیگانه بودن می‌دهد. در یک مجتمع بزرگ ممکن است صدها نفر باهم زندگی کنند، اما ارتباطی که چند همسایه در محله‌ها و خانه‌های سنتی با هم دارند نداشته باشند. وقتی آسانسورهای کوچک‌های سنتی را می‌گیرد، ارتباط افراد هم به همان سرعت قطع می‌شود. آنهایی که قبلاً در یک کوچه همدیگر را می‌دیدند، حال ممکن است به ندرت در آسانسور همدیگر را ببینند. علاوه بر این شکل و فرم ساخت ساختمان مجتمع‌ها که بیشتر هدف این است تا از تمام فضا استفاده شود، نهایتاً به صورت سازه‌های مکعب مستطیل هیولایی درمی‌آید و بدون هیچ گونه نمود زیبایی‌شناسی، به این بیگانگی بیشتر کمک می‌کند؛ مردمی که در این مجتمع‌ها ساکن شده‌اند قریب به اتفاق دارای روستایی‌روستایی هستند. این است که در هر تعطیلی از این کنده‌وای بتنی فرار کرده و راهی طبیعت و روستاها می‌شوند و به اصل خود بازمی‌گردند. این است که باید بخشی از آن طبیعت روستائیز را که به اطراف این ساختمان‌های بی‌روح آورد. امروزه مسئله آپارتمان نشینی یک مسئله عمومی است که نه تنها در کلانشهرها بلکه حتی در شهرهای دورافتاده و کوچک هم قابل طرح است. اگر به این موضوع توجه کنیم که ساخت شهرک‌های کوچکی با عنوان مسکن مهر در حاشیه بسیاری از ده‌ها و بخش‌ها و شهرهای کوچک استان‌های

من بنا به تجربه‌ای که در کار با نشریات فکاهی و طننز دارم، فکر می‌کنم که وقت آن رسیده تا برای موضوع آپارتمان نشینی در ایران هم یک نشر به فکاهی و طنز منتشر شود. چنین نشر به‌ای به صورت هفتگی یا ۱۵ روز یک بار می‌تواند به شیوه‌ای جدید به زندگی آپارتمان نشینی و ابعاد آن بپردازد

ف

اطلاع‌رسانی به وسیله کتاب، روزنامه دیواری یا هر وسیله دیگر در مجتمع‌ها مفید خواهد بود، اما باید توجه داشت که اینگونه آثار به صورت بولتن‌ها و بروشورهای تبلیغاتی تجاری در نیاید، چون در این صورت مخاطبان آن را جدی نمی‌گیرند



ایران، آپارتمان‌نشینی را حتی به دهستان‌ها و بخش‌ها هم برده است به ابعاد قضیه بی‌ی‌بریم.

به راستی چگونه در این صورت ضمن به هنر رفتن آپارتمان نشینی چه می‌توان کرد؟

■ **ضرورت آموزش و فرهنگسازی**

بدون شک مشارکت شهروندان در برنامه‌های فرهنگی حوزه همسایگی و فرهنگ آپارتمان‌نشینی بسیار مفید است اما باید فراتر از آن به موضوع آموزش توجه کرد. اصل قضیه این است که جمعیتی ناهمگن و ناآشنا با باورهای مختلف قومی و سنتی قرار است به صورت جمعی در یک مجموعه زندگی کنند. طبعاً در این حالت هر فرد ساکن آن مجموعه مجبور است خود را با حدود اختیارات قانونی، اخلاقی و عرفی دیگران منطبق سازد. این کار قبل از اینکه وارد مرحله برنامه‌های فرهنگی شود نوعی آموزش جدی زندگی اجتماعی در کنار دیگران را بداند، از قوانین انضباطی مجتمع خود اطاعت کند. اخلاقیات مورد قبول مجتمع را بپذیرد و به حدود اختیارات یک قسمت خصوصی و مشاع واقف باشد. با درک این موضوعات و عمل به آن، یعنی پذیرش یک روش جدید از زندگی مدرن امروزی، آن شخص کار فرهنگی (به مفهوم خاص خود) انجام نمی‌دهد بلکه به صورت جدی خود در قسمت خصوصی و مشاع واقف باشد. برای شرکت در یک زندگی جمعی کافی است. حال اگر در یک مجتمع برنامه‌های فرهنگی هم ترتیب داده می‌شود، مشارکت هر فرد در آن برنامه‌ها، مفید خواهد بود، نه اینکه صرفاً ضرورت داشته باشد که حتماً چنین کاری انجام دهد. هر فرد بنا به علاقه و فرصتی از گذران روز و شب می‌تواند برنامه‌ای برای خود داشته باشد که ممکن است برحسب علاقه زمانی نیز به مشارکت در برنامه‌های فرهنگی مجتمع اختصاص دهد که البته مفید خواهد بود. کسی که در یک مجتمع زندگی می‌کند قبل از هر چیز آپارتمانش را محل زندگی، استراحت و آرامش می‌داند و شاید وقتی به خانه می‌آید دوست دارد که برنامه خود را داشته باشد، پس تأکید زیاد بر شرکت در برنامه‌های فرهنگی مجتمع‌ها ممکن است نتیجه عکس داشته باشد. از سویی هر مجتمع یک جامعه کوچک است و طبعاً مدیران مجتمع‌ها باید در باشگاه خود و نشاس‌هایی که برگزار می‌کنند همچون جامعه‌شناسان با هم جمع شوند و بتوانند برای معضلات مشترک چاره‌اندیشی کنند یا مورد‌های خاص را به اطلاع هم برسانند.

■ **اهمیت تولیدات فرهنگی**

کارهای فرهنگی در جهت شناساندن پدیده‌های جدیدی که ناچار جوامع امروزی درگیر آن هستند امری مثبت بوده و مستمربودن آن می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. برای برقراری ارتباطی مستمر بین تولیدکنندگان محصولات

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

فرهنگی و مخاطبان آن باید دقت کرد که اینگونه محصولات به صورت تکرارهای تبلیغاتی و آگهی‌های تجاری در نیاید، چون در این صورت ضمن به هنر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی نتیجه‌ای هم عاید نمی‌شود. به این جهت تنوع در شکل و محتوای اینگونه آثار و نیز غنی بودن جنبه‌های آموزشی آن، برهیزر از هر گونه آموزش دستوری و مستقیم و بسیاری عوامل دیگر می‌تواند مفید باشد تا وجود چنین فعالیت‌هایی در قالب محصولات فرهنگی مورد پذیرش مخاطبان قرار گیرد و ضرورت نبودن این آثار را باید از مخاطبانی که هدف این آثار بودند پرسید.
آمارگیری در این مورد هم بسیار مفید خواهد بود.

■ **استفاده از طنز و کاریکاتور برای بیان مشکلات آپارتمان نشینی**

اطلاع‌رسانی به وسیله کتاب، روزنامه دیواری یا هر وسیله دیگر در مجتمع‌ها مفید خواهد بود، اما باید توجه داشت که اینگونه آثار به صورت بولتن‌ها و بروشورهای تبلیغاتی تجاری در نیاید، چون در این صورت مخاطبان آن را جدی نمی‌گیرند. همچنین مندرجات اینگونه آثار نباید به تکرار دچار شود یا اگر ناچار بر بعضی از موارد باید بیشتر تکرار و تأکید کرد، شکل ارائه آن باید متنوع باشد.

من بنا به تجربه‌ای که در کار با نشریات فکاهی و طنز دارم، فکر می‌کنم که وقت آن رسیده تا برای موضوع آپارتمان نشینی در ایران هم یک نشر به فکاهی و طنز منتشر شود. چنین نشر به‌ای به صورت هفتگی یا ۱۵ روز یک بار می‌تواند به شیوه‌ای جدید به زندگی آپارتمان نشینی و ابعاد آن بپردازد. فکاهیات و طنز چه به صورت شعر، مطلب کوتاه، داستان، کارتون، کاریکاتور، کمیک استریپ و سرگرمی می‌تواند بسیاری از معضلات را به زبانی شوخ‌طبعانه مطرح کند و همه این قالب‌ها را می‌توان در درون یک نشر به جمع کرد. مسئله آپارتمان نشینی در ایران دارد بسیار گسترده و فراگیر می‌شود و تنها ویژه کلانشهرها نیست. گرچه در کلانشهرها بسیاری از مجتمع‌های پرجمعیت به صورت «ده عمودی مدرن درآمده‌اند و جمعیتی بیشتر از یک مجموعه روستایی را دارند. تأثیر زبان فکاهی و طنز برای آموزش‌های اجتماعی بسیار مفید است. چنین نشر به‌ای می‌تواند خیل عظیم فکاهی نویسان و طنزپردازان که جایی برای چاپ آثارشان ندارند را به طرف خود جلب کند. اگر توجه کنیم در گذشته هم بخش عمده‌ای از مطالب و نوشته‌ها و کاریکاتورهاى نشریات فکاهی در ایران به موضوع زندگی اجتماعی مردم در خانه، کوچه و محله در روستاها و شهرها و معضلات آن اختصاص داشته است.

■ **حرف آخر...**

من خود متأسفانه! با خوشبختانه! مدیر یک مجتمع دوازده واحدی هستم. گرچه مجتمع ما فقط ۲۷ نفر جمعیت دارد، اما من در اداره این ۱۲ واحد انگار با ۳ هزار و ۷۰۰ نفر درگیر هستم. به این جهت با مشکلات کار تا حد ۱۲ واحد ۲۷ نفری آشنا هستم.

میزان نفوذ و توانایی مالی در این زمینه کار می‌کنند.

علاوه بر این مراکز برخی نهادها، تشکله‌ها و گروه‌های غیردولتی در حوزه زنان و خانواده فعالیت می‌کنند اما با وجود همه این تلاش‌های مختلف که گاه همسو، گاه غیر همسو و گاه موازی هستند به نظر می‌رسد رسانه‌های ما باید توجه بیشتری و همدلانه‌تری در موضوع خانواده و زن داشته باشند. متأسفانه در این سال‌ها نتایج این فعالیت‌ها تا حدی که شایسته است یا به مردم منتقل نشده یا انتقال مؤثری صورت نگرفته ضمن اینکه باید دید هر کدام از این گروه‌ها و کم کاری‌های خودمان را چه کارهایی کرده‌اند و نتایج دستاوردهایشان به شکل کاربردی بر فرهنگ عمومی جامعه و نهاد خانواده تا چه حد بوده است. اینکه صرفاً جلسات هم‌اندیشی برگزار شود یا کتاب‌هایی در حوزه زنان و خانواده نوشته شود یا بسیاری از افراد به تنهایی در این حوزه فعالیت‌های علمی داشته باشند بدون آنکه این فعالیت‌ها به بدنه جامعه منتقل شود، نتیجه‌ای نخواهد داشت زیرا شاهد هستیم با وجود فعالیت‌ها در این زمینه عامه مردم فرهنگ رفتاری و نحوه تفکر خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که مدنظر نخبگان جامعه نیست و همین موضوع سبب ایجاد مسائل و مشکلات متعددی در این حوزه شده است؛ اتفاقی که به مرور زمان دامان همه افراد جامعه را خواهد گرفت.

مهران میر شمس استاد دانشکده هوافضا از ایران فضایی می‌گوید

چه کسی فضاپیمای دوستی را به مقصد می‌رساند؟

علم‌ورزندی

نفسیه ابراهیم‌زادمانتظام

این روزها «ایران فضایی» دیگری رو‌یا نیست اما تا رسیدن به آن هم فاصله کمی نیست. بنابراین می‌توان گفت «ایران فضایی» از یک رو‌یا به یک هدف تبدیل شده که به برنامه‌ریزی، تخصیص منابع و مدیریت تخصصی نیاز دارد تا دست یافتنی باشد. از سوی دیگر در شرایط کنونی که فرآیند تولید علم تا ثروت در دستور کار کشورهای دنیا از جمله کشور ما قرار گرفته باید برای تمام علومى که در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شوند سهمی در تولید ناخالص ملی و ثروت آفرینی تعیین شود. دانش – صنعت هوافضا از چند بعد نیروی انسانی، تبادل دانش و فناوری، تولید و ترکیب قطعات، توسعه گردشگری علمی و مدیریت پروژه‌های راهبردی فضایی در سایر کشورها می‌تواند ثروت را باشد. منتها به شرطی که خود را بشناسد و برای آینده خود نیز برنامه راهبردی و چشم انداز پیشران داشته باشد. امروز صنعت هوافضا در کشور ما می‌کوشد خود را به استانداردهای جهانی برساند هر چند در این راه با چالش‌های نفسگیری مثل تحریم‌ها مواجه است اما پیشرفت چشمگیر دانشمندان کشور غیر قابل توصیف است. به طور کلی پیشرفت هر کشوری در صنایع و فناوری‌های پیشرفته به منزله پیشرفت چند جانبه آن کشور در یک صنعت است و هوافضا از این دست صنایع و فناوری‌هاست. وقتی ما برای خود سفر انسان به فضا و بازگشت به سلامتش به زمین را در دستور کار قرار می‌دهیم، یعنی آمادگی هر گونه سسر مایه‌گذاری در این حوزه را داریم. خبرهایی که از حوزه اجرای هوافضا منتشر می‌شوند تا حدودی این پیام را انعکاس می‌دهند اما تولید دانش و فناوری و بخش‌های تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. شاید مهران میر شمس استاد راهنمای پروژه طراحی فضا پیمای سر نشین دار دوستی که موضوع پایان‌نامه کارشناسی ار شد لایلاخلیج‌زاده بود گزینۀ مناسبی برای بررسی دانش – صنعت هوافضا از منظر علمی در کشور باشد. گفت‌وگو با این استاد دانشکده هوافضای دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در ادامه می‌آید:

نداشت خود این مسئله روند پژوهش را با مشکل مواجه کرد که به مرور و با ارتباطات و اطلاعات به دست آمده توانستیم این مشکل را نیز حل و فضاپیمایی طراحی کنیم که مشخصاتی منطبق با فناوری‌های جهانی داشته و بر اساس نیازهای داخلی طراحی شده باشد.

این پایان‌نامه سفارش صنعت بود یا یک ایده دانشگاهی صرف بود؟
در ابتدا، کار سفارش سازمان یا نهادی نبود. اما بعد از اینکه به نتیجه رسید و پیشنهادش به جاهای مختلف ارائه شد از سوی سازمان فضایی مورد استقبال قرار گرفت. چون طراحی و اجرای چنین پروژه‌ای در ما موردیت‌های سازمان فضایی هم تعریف شده است. بنابراین آنها استقبال کردند اما حمایتی نشده و صرفاً یک کار اکادمیک بوده است.

الان نتیجه این تحقیقات یک پایان‌نامه کتابخانه‌ای است یا قابلیت رسیدن به سطح تولید را نیز دارد؟
این طرح هنوز در سطح یک پیشنهاد است. تولید چنین مجموعه‌ای اولاً نیاز به عزم و برنامه ملی دارد، چون حجم ابعاد آن بسیار گسترده است. کاری که در سطح این تحقیق انجام شده‌است،



ابعاد و مشخصات اولیه تکنیکال فضاپیمار ارائه می‌دهد، امکان‌پذیری کار را بررسی و زمینه ایجاد سایر مشخصات آن را بیان می‌کند. بنابراین برای اینکه به مرحله تولید برسد نیاز به یک کار منسجم، مستمر و با حجم سرمایه قابل توجه در طول یک زمان مشخص دارد.

در طول مدتی که نتیجه طرحتان رسانای شده برای آغاز تولید با شما تماس نگرفته‌اند؟

تولید چنین طرحی مستلزم یکسری مقدمات است و تولید چنین چیزی در سطح دانشگاه‌ها نیست و دانشگاه‌ها تنها تولیدکننده دانش و فناوری هستند که نتیجه آن در صنعت به صورت صنعتی تولید می‌شود. در مورد فضاپیمایی دوستی نیز باید یک مجموعه صنعتی ساخت

آن را به عهده بگیرد و به نتیجه برساند. ابعاد کار خیلی فراتر از یک دانشگاه خاص یا یک مجموعه منحصر به فرد است. تیمی از مراکز مختلف، سازمان‌ها و وزار تخانه‌های مختلف می‌خواهد تا بتوانند این کار را به نتیجه برسانند. در این اول مانناز به یک برنامه بالادستی و هدفگذاری داریم که این کار صورت گرفته است. الان برنامه پروژه‌ای را برای طراحی می‌مدارگرد که بعداً ما به توجه به شرایط به نام «مدارگرد دوستی» نامگذاری شد در این پایان‌نامه تعریف کردیم.

این مدارگردی که گفتید چه ویژگی‌هایی دارد؟

این مدارگرد امکان پرتاب فضاپنورد از طریق به کارگیری حامل‌های فضایی داخلی که در آینده تولید خواهند شد را فراهم می‌کند. از نظر خصوصیات تکنیکال و مشخصات فنی مدارگرد دوستی مشابه سایر مدارگرد‌های ساخته شده در بلوک شرق و غرب است. چون یکی از مراحل که در پایان‌نامه طی می‌شود بررسی جزئیات کارهای انجام شده و مدارگرد‌ها و سفینه‌های فضایی و حامل‌های ساخته شده بود. با توجه به اینکه اطلاعات دقیقی از نمونه‌های قبلی وجود